

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

حمید بهشتی
۲۵ جولای ۲۰۱۵

از علل فساد نمایندگان مجلس



Marion Graefin Doenhoff

نقل قول زیر که در پی بیان یکی از علل مهم فزونی فساد در میان نمایندگان مجلس المان است، می تواند عیناً برای بخش های دیگری از جهان که با ناکارآمدی نمایندگان مردم در پارلمان ها مواجه اند تحقق داشته باشد. نویسنده که در یکی از خانواده های اشرافی پروس شرقی چشم به جهان گشوده و با جنگ جهانی دوم و شکست المان نازی همراه بسیاری دیگر از دست قوای شوروی به بخش غربی المان هجرت نمود، در حین شرح دوران کودکی خویش، در گفتاری در باره روابط اشرافی، در حاشیه به فزونی فساد در میان نمایندگان مجلس اشاره می کند.

به خاطر فاصله زمانی و تحول شرایط و در عین حال مصداق داشتن گفتار، می توان از اندیشیدن در باره موضوع به نتایج شگرفی دست یافت. از جمله در این باره که فاصله زمانی و تفاوت شرایط سیاسی، اقتصادی و نظامی در مصداق داشتن دلیل فزونی فساد در میان نمایندگان پارلمان چه تأثیری دارد و آیا نتیجه ای که نویسنده در این باره گرفته است، صدق می کند؟

« هر انقلابی با این عهد که بی عدالتی های اجتماعی ناشی از ساخت های حاکمیت موجود را برطرف و آزادی را به جای فقدان آزادی بنشانند، آغاز می گردد. اما طولی نمی کشد که انواع دیگری از ظلم حاکم شده و جای عدم آزادی سابق را پر می کند. زمانی که بافتی از قوانین جدید، مقررات، حدود و عاداتی تازه به وجود آمده باشند، آنگاه مردم سعی می کنند راه گریزهای آنها را بیابند که واقعاً هم پیدا می کنند.

علاوه بر این بدیهی است که هر نظامی وسوسه های ویژه خود را دارد. به قول استاد اِشِنبرگ در کتاب "قواعد بازی سیاست": "چرا در دوران نظام قیصری در پروس ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۸ فساد پارلمانی به ندرت

وجود داشته و در دوران جمهوری وایمار ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۳ بسیار کمتر از امروز بوده است؟ آیا آن زمان ارزش های اخلاقی بهتری وجود داشته اند؟ یک دلیل آن اینست که تا ۱۹۰۸ حتا یک بار نیز مزد و حقوقی به نماینده ای داده نشد و تا ۱۹۱۸ هم بالنسبه میران آن پائین بود و از حق بازنشستگی برای نمایندگان مجلس اصلاً حرفی در میان نبود. اما در مقابل آن تیپ جدید سیاستمداران حرفه ئی، خواهان اجرت بسیار بیشتری از همردیف های خود در زمان پیش از ۱۹۳۳ بوده و آن را دریافت نیز می کنند. روی دیگر سکه این مقررات درست که آنها حقوق نمایندگی و بازنشستگی می گیرند این است که در مورد شخصیت های ضعیف النفس در میان نمایندگان، در آنها گرایش به ضمانت نسبت به از دست ندادن حقوق مزبور به وجود می آید. اما به دست آوردن اینگونه ضمانت ها بدون فساد ممکن نیست." تا اینجا نقل قول از اِشِنبرگ. پس علاقه مندی نمایندگان به این که حتی الامکان به لحاظ مالی مستقل باشند، متقابلاً به گونه ای دیگر به وابسته شدن آنها انجامیده است.» مقصود از گونه ای دیگر از وابسته شدن این است که آن دسته از نمایندگان ضعیف النفس حاضراند برای تضمین حقوق دوران نمایندگی و بازنشستگی هر کاری را انجام دهند.

به نقل از کتاب «دوران کودکی در پروس شرقی»، صص ۱۹۰ تا ۱۹۲ به قلم خانم Marion Graefin Doenhoff ، انتشار اول ۱۹۸۸، انتشارات Siedler، چاپ ۱۳، ۲۰۰۲
به دلیل محفوظ بودن حقوق، از ارائه نسخه اصلی معذوریم.

۲۴ جولای ۲۰۱۵